

شخصی با اتومبیل تصادف کرده میمیرد میگویند خواست خداوند بود. دیگری به سرطان مبتلی می شود و در میگذرد و میگویند خواست خدا بود. شخص سوم به علت خیانت شریکش شکست میخورد باز میگویند اراده خدا بود. مع الوصف بسیاری هستند که میگویند جواب این طور ساده نیست. چرا اراده خدا سبب ترقی فردی و زیان دیگری میگردد؟ آیا بر بعضی مخلوقات لعنت و بر برخی دیگر برکت نهاده شده است؟

بعضیها خیال میکنند که اگر به هر کاری دستبزنند موفق میشوند. دولت و قدرت و شهرت نصیب یکی و زحمت و بدبختی و ورشکستگی از آن دیگری میشود. ناگفته نماند که رفتار مردم روی اطرافیان خود و نیز عاقبتشان اثر قطعی دارد. شخص بی دینی مزرعه ای که سالها بائر مانده بود خرید. وضع زمین بسیار بد بود ولی خریدار زحمت کشید و عمارت و دیوارها تراسها را تعمیر نموده زمین را شخم زد و خار و خسها را بسوزانید و سنگهای زمین را به یک طرف انداخت. بالاخره بعد از زحمتهای زیاد زمین بائر را بصورت بهشت درآورد و انتظار حاصل بسیار خوبی را کشید. در این اثناً مؤمنی برای دیدی صاحب باغ آمد.

وی می خواست بی دین را به نماز و سجده دعوت کند. گفت
 «همسایه عزیز، با کمک خداوند این زمین را بهشت ساختی.»
 زارع بی دین جواب داد، «بله، ولی کاش زمین را موقعی که
 تماماً دست خدا بود دیده بودید.» شکی نیست که خدا آفتاب و
 باران را برای روئیدن بذر می دهد — ولی انسان هم سهمی و
 مسؤولیتی در کار باغبانی دارد. کار کشاورزی در اختیار خود شخص
 است.

خداوند فرشته ای را با شلاق نمبفرستد تا مرد ننبل را
 بکار وادارد. خود او باید اراده خداداد را به کار بسته مسؤولیت
 خود را انجام دهد. در ضمن اغلب مردم به انجام وظیفه خود
 متوجه شده برای کسب معلومات سالها میکوشند تا در عمر کامیاب
 شوند چنانکه مکتوبست: «ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیر و اما
 بانفسهم و اذا اراد الله بقوم سوا فلا مردله و مالهم من دونه من
 وال.» (سوره الرعد آیه ۱۱). برآستی که خدا آنچه را در گروهی
 باشد تغییر نمی دهد تا آن که که آن گروه آنچه در نهاد ایشان
 است تغییر دهند.»

قادر مطلق قوانین موفقیت را برقرار نموده است. کسی
 که آنها را رعایت نکند به اختیار خود شکست خواهد خورد. در
 عین حال کسی که با تمامی قلب سعی و کوشش کند، خداوند
 او را کمک خواهد کرد تا کامیاب شود. نتیجه شکستن قانون
 خداوند، درد است و پروردگار از آن درد جلوگیری نمی کند.
 انسان بیشتر از بهیمه ارزش دارد و والاتر از حیوانی است
 که فهم و شعور ندارد. در داستانی آمده است که سگی از دهی

به دهی می رفت تا لقمه ای برای خود پیدا کند. هر گاه صدای طبل جشن را می شنید به طرف آن روانه میشد زیرا که صدای طبل برایش معنی خوراک میداد. یک روز کودکان تصمیم گرفتند بیچاره را گول بزنند. طبلهای ده را بصدا در آوردند و سگ فوری به سوی صدا راه افتاد. ولی هنوز بده نرسیده بود که بچه ها ساکت شدند و بچه های ده اول شروع بزدن طبل کردند. آنآ سگ برگشت و بطرف ده اول روانه شد. چندان راهی نرفته بود که بچه ها دوباره ساکت شدند و دسته اول باز هم طبل زدند و بیچاره سگ چندین بار به طرف صدای طبل روانه شد و تا آخر گرسنه ماند. شکم یگانه هادیش بود.

۱. قدرت اراده

قدرت اراده است که انسان را از حیوانیت به مراتب بالا میبرد. او باید توسط مغز و ذهن خود رهبری شود نه شکم و احساسات حیوانیش. انسان بی اراده آفریده نشده و مثل ماشین راه نمیروند.

علماً کامپیوتر یا مغزهای الکترونیک اختراع عجیبی کرده اند که جوابهای مسائل بسیار سخت را آنآ میدهد. بعضی از این ماشینها قدرت قرائت و تکلم را نیز دارند در صورتی که بعضی هم به محاسبات درهم و برهم فوراً جواب میدهند. و اطلاعات گوناگونی را ذخیره میکنند. ولی در مقابل مغز انسان مثل بازیچه میمانند که فقط دستور سازنده را انجام میدهد. مغز انسان اگر چه بعضی چیزها را به دست فراموشی میسپارد فضیلتش در ادراک و سنجش میباشد. صداها و مناظر رنگارنگ را

به یاد آورده قدرت قضاوت را بکار می اندازد. و همانا تمام این دستگاه با عظمتی در بین دو گوش شما قرار گرفته است. عجیبترین فضیلت مغز قدرت اختیار است. انسان قدرت دارد در باره هر چه میخواهد فکر کند. و پس از انتخاب موضوع امتیاز تصمیم گرفتن هم با اوست. میگویند که یکی ذاتاً خوب در صورتی که دیگری نفساً بد آفریده شده است. به خاطر داشته باشید که «لا اكره فی الدین قد تبین الرشد منافی» (سوره البقره آیه ۲۵۶) «هیچ گونه اجباری در دین نیست حقاً که راه راست از گمراهی پیدا و آشکار شده.»

سراط مستقیم فقط توسط مغز سالم و هدایت خداوند تشخیص میشود و برای این است که در امور دینی اجباری وجود ندارد. برای کسانی که صراط مستقیم را انتخاب میکنند خداوند پاداش خواهد داد. اگر خدا سرنوشت یکی را با دروغگوئی و جنایت و قتل تعیین می نمود و در نتیجه زجر ابدی نصیبشان میکردانید آن وقت چه نوع عدالتی محسوب میشد؟ مسلم است که حیوانات درنده به علت خاصیت کشنده خود به جهنم نخواهند رفت زیرا که قدرت تفکر و ادراک ندارند.

۲. علت و معلول

از اینکه خدای رحیم را با افعال بیرحمانه مقصر بدانیم باید بر حذر باشیم. وی که خالق کل میباشد قوانینی برای همه مقرر کرده است. هنگامی که این قوانین شکسته شدند نتیجه اش ضرر است. اکثر مردم قوانین مزبور را نادیده گرفته اند و بالنتیجه رنج و ذلت گریبانگیرشان میشود. مردم هم نمیخواهند به علت

اصلی اشکالات خود پی ببرند. با گفتن «خواست خدا بود» موضوع را رد کرده تقصیر گناه خود را به حساب خدا میگذارند و تا دلشان بخواهد به راه کج خود ادامه میدهند. «فریب نخورید. هیچ کس نمی تواند خدا را فریب دهد. زیرا آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد.» (غلاطیان ۷:۶).

اگر کسی قواعد بهداشتی را رعایت نکند محصول بیماری را درو خواهد کرد. این محصول گاهی فوری و زمانی پس از سالها تخلف به دست می آید. زیرا قوانین روحانی هم مثل قواعد بهداشتی و طبیعی میباشند. خیلی اوقات مردم بی تقصیر در نتیجه دیگران در زحمت می یافتند. مثل زن حامله ای که بیخیال چنین خود را با زهر توتون در معرض هلاکت می اندازد.

۳. علت اصلی عذاب

گفتن اینکه خدا خواهان خوب و بد است تولید اشکالات زیادی میکند. مثلاً جوانی شکایتی برای مدیر روزنامه نوشت. برادر دوساله اش زیر ماشین رفته پس از چند ساعت در گذشته است. پدر و مادر هر چه دعا کردند فرزند خود را نتوانستند نجات دهند. نویسنده نامه مطمئن بود که برادرش تقصیر در این حادثه نداشته است که تنبیه شود. سؤال کرد «اگر خدا قادر است چرا گذاشت برادر من کشته شود؟» بعبارت دیگر او میگفت که خدا مقصر بوده، به تصور اینکه تمام مسؤولیت متوجه خدا خواهد بود، ولی حقا تقصیر حادثه با که بود؟ آیا مدتها خدا نقشه می کشید تا روزی راننده ای پسرک را از بین ببرد؟ این کار خدای رحمان و رحیم نیست. پسرک چرا زیر ماشین رفت؟

والدین او را چه طور تربیت کرده بودند؟ آیا به او گفته بودند هر گز در خیابان بازی نکند؟ آیا شهرداری محجری برای حفظ جان پیاده ها گذاشته بود؟ علاماتی برای تعیین حد اکثر سرعت در خیابان کار گذاشته بودند؟ آیا ترمزهای ماشین مزبور سالم بودند؟ با راننده ای سرکار داریم — آیا از حد سریعتر میراند؟ آیا تحت تأثیر نوشابه الکلی رانندگی میکرد؟ آیا از کسی عصبانی بوده غضبش را با سرعت سرسام آور نشان می داد تا به ضرر تفلک تمام شد؟ تمام این سؤالات مربوط به موضوعند ولی مردم یک کلام میگویند «خواست خدا بود.»

اگر کسی از پنجره طبقه دهم بیرون بپرد و خودکشی کند آیا رواست بگوئیم که کاش خدا قانون قوت جاذبه را به عقب برمیگردانید تا فلانی بزمین نخورد؟ اگر مادری نتواند بچه اش را توی پیاده رو نگهدارد چرا باید تقصیر را به حساب خداوند گذاشت؟ اگر یک نفر تحت تأثیر الکل کنترل از دست دهد و مثل دیوانگان رانندگی کند چه طور ممکنست تقصیر را متوجه خداوند دانست؟ البته خدا مجری آن نمی باشد. نتیجه تخلف از قانون جاذبه فقط یک نتیجه دارد و آن عبارت از این است که اختیار در دست خود شخص خواهد بود. هر چه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد.

خداوند مشغول تولید اشکال نمیباشد و هر که خیال میکند که او قاعل فاعل آنهاست او را با شیطان اشتباه کرده است. خداوند عالم هیچ وقت اراده نکرده که مردم راه اشتباه و تباهی را پیش گیرند. وی همواره مردم را به اطاعت و بندگی

سوق داده است. فرستادن انبیاء و رسل همیشه برای انجام همین منظور میباشد. کسانی که با قوانین و قواعد سموات همآهنگ نیستند بهای آنها خواهند پرداخت. بعضی اوقات جریمه تخلف فوراً پرداخت میشود و جزای دیگران به روز بازپسین و یوم الحساب موکول میشود.

در این آزادی خدا به همه نشان میدهد که قوانینش برای خوبی و سعادت تمام کائنات میباشد و اطاعت از روی میل و اراده آزادانه افراد مؤمن را از دیگران جدا میکند. اگر کسی اختیار انتخاب خوب یا بد را نداشت پس فرقی بین عادلان و شریران نمیبود و وفاداری ایمانداران نسبت به خداوند از خیانت شریران مشخص نمیشد.

امید نجات برای دنیای پر از مشقت و رنج فقط در موقعی پیدا میشود که مردم نقشه نجات پروردگار را دریابند. تقدیر پروردگار برای کسانی که با میل و اراده راه مخالفت با قوانین ابدی را انتخاب میکنند هلاکت است و برای کسانی که صراط مستقیم را دنبال کنند جیات ابدی و پاداش بندگان امین است. برای خوانندگان کتب مقدسه و رعایت کنندگان آنها راه بهتری تعیین شده. رحمت پروردگار نسبت به آنان افزایش خواهد یافت.

امتحان درس اول

۱. عاقبت شخص بیشتر از همه با چه تعیین میشود؟

()

()

()

۲. شخص آینده و تصمیمات خود را باید بر چه اساسی بنهد؟

()

()

()

۳. جملات صحیح را نشان (*) بگذارید:

۱ - خداوند رحمن و رحیم بعضی اوقات مرتکب اعمال

()

ب- بعضی اشخاص برای بدی متولد شده اند و

()

()

نشانی

شهرستان و زیپ کد